

## التزام دینی در شعر معاصر عربی (بررسی موردی شعر معروف الرصافی)

دکتر عبدالعلی آل بویه لنگرودی<sup>1</sup>

ابراهیم ناطق تجرق<sup>2</sup>

چکیده

التزام به عنوان مفهومی کلی دربر دارنده گستره‌ای وسیع از سروده‌هایی می‌شود که به واسطه آن شاعر در مسایل سیاسی، اجتماعی و اخلاقی بشر مشارکت آگاهانه دارد. ادبیات ملتزم در قرن معاصر در خدمت مبارزه با بیگانگان و آزادی از بند استعمار، و مصایب و مشکلات مردم قرار گرفت. در نتیجه، پرداختن به مسایل و مشکلات اجتماعی، مسایل انسانی، اخلاقی و دینی، معیار تعهد در ادبیات معرفی گردید. جنبه اساسی این التزام در ادبیات معاصر، التزام دینی بود که شاعران متعهد با تمسک به آن در پی رهایی جوامع مسلمان از آلام و رنج‌های تحمیلی استعمار بر آمدند. رصافی به عنوان یکی از بزرگان شعر معاصر و از پیشگامان ادبیات ملتزم، با بهره‌گیری از آموزه‌های اسلام، شعر خود را وقف رهایی جامعه از گرفتاری‌های ناشی از استعمار، فقر و نادانی مردم، و دفاع از اسلام و پیامبر (ص) نمود.

واژگان کلیدی: ادبیات ملتزم، التزام دینی، شعر معاصر، معروف رصافی.

1. دانشیار دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره). ایمیل: alebooye@hum.ikiu.ac.ir

2. دانشجوی دکتری دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره) (نویسنده مسئول). ایمیل: nategh.ebrahim@yahoo.com

التزام در هنر و به تبع آن التزام در ادبیات یکی از مباحث چالش برانگیز است که همواره مورد توجه و اهتمام صاحب نظران در حوزه هنر و ادبیات بوده است و تعریف آن طیفی وسیع از مفاهیم را در برمی گیرد و همچنان رو به تحول و دگرگونی است. التزام از نظر لغوی به معنای «مداومت و همراهی پیوسته، پای بندی و تعهد» می باشد، که معانی اصطلاحی آن از گذشته تاکنون دستخوش تغییر بوده است. به باور برخی، از آنجا که هنر چیزی جز بیان تجربه آدمی نیست، و خیال از واقعیت ناشی می شود و در آن علل بیرونی و واقعی نقش عمده دارد، پس هنرمند در خلق اثر مطابق با عکس العمل ذهن خود در مقابل پدیده های بیرونی، عمل می نماید و به نوعی هر اثر هنری، التزام خالق آن را در مورد یک پدیده خاص بیرونی نشان می دهد. بر اساس این دیدگاه، معنی التزام به گستره همه آثار هنری می باشد. «اما از آنجا که ادبیات، جهان درونی انسان، اندیشه ها، احساسات و شخصیت او را با همه عمق و پیچیدگی خود در بستر زمانی پهناور و در درون حرکت و تکامل و مناسبت با جهان بیرونی تصویر می کند (کوپا، 1383: noormags.com) بنابراین از نظر بسیاری از ناقدان، دلالت این واژه، مختص انسان و همه امور اجتماعی، سیاسی و اخلاقی او می باشد. بر این اساس، تولستوی رسالت هنر را ترویج اخلاق و خصائل عالی انسانی می داند. به باور او «هنر جهان پسند همواره ملاکی ثابت و معتبر با خویشتن دارد و آن همان معرفت دینی و روحانی است» (زرین کوب: 1361: 39) در این زمینه، برتولد برشت هم با تولستوی موافق است. به باور او «هنر جدید بدون هدف جدید معنی ندارد و آن هدف جدید همان تربیت است» (غنیمی هلال، 1998: 142) در نتیجه، شاید بتوان التزام را به معنای «مشارکت آگاهانه هنرمند و ادیب در مسایل بشری از جمله مباحث سیاسی، اجتماعی، دینی و...» قلمداد کرد.

مبحث التزام به طور مشخص از قرن نوزدهم توسط سارتر (1980-1905م)، در اروپا مطرح شد، «که از شاخه های مکتب واقع گرایی در اروپا بود. این مکتب هم واکنشی در برابر اندیشه هنر برای هنر به شمار می رود.» (غنیمی هلال، 1997: 310) در واقع از آنجا که مفهوم التزام بر اهتمام ادیب به جامعه و بشریت دلالت دارد، در مقابل اندیشه ای قرار گرفت که شاعر را جدا از جامعه و مسایل انسانی متصور می شد. اگرچه این مبحث به مفهوم کلی آن در ادبیات عربی قابل بررسی است، اما مفهومی به نام ادبیات ملتزم به عنوان یک فکر یا مکتب فکری که دارای چهارچوب و فلسفه نظری

خاص باشد به شکل امروزی آن، در ادبیات قدیم عربی مطرح نبوده است. مبحث التزام در ادبیات عربی در یک قرن گذشته تحت تأثیر مکاتب ادبی اروپایی پدید آمد و بر اثر شرایط خاص حاکم بر این کشورها که مهم‌ترین آن استعمار غربی و اوج گرفتن مبارزات اجتماعی و سیاسی بود، این نوع ادبیات در خدمت مبارزه با بیگانگان و آزادی از بند استعمار و مصایب و مشکلات مردم قرار گرفت. در نتیجه، پرداختن به قومیت عربی و نیز مسایل و مشکلات اجتماعی، مسایل انسانی، اخلاقی و دینی، معیار تعهد در ادبیات معرفی گردید.

هر چند دین و اخلاق از دیرباز، معیاری برای التزام در ادبیات شناخته شده است، اما تکیه بر دین، مذهب و آموزه‌های اسلامی در قرن گذشته، به شکلی ویژه از سوی شاعران و نویسندگان مسلمان در کشورهای اسلامی مورد توجه بوده است. بسیاری از شاعران و نویسندگان، تعالی انسان‌ها و رهایی ملت‌ها از بند استعمار و نجات مردم از مصایب و مشکلات اجتماعی را در گروی پای‌بندی به تعالیم اسلام دانسته و گرایش به اسلام را به عنوان تنها انتخاب باقی مانده فراروی کشورهای اسلامی و حتی جهان در ادبیات اسلامی وارد کرده‌اند. به این ترتیب در قرن اخیر التزام دینی در شعر، همراه با التزام اجتماعی و سیاسی بوده است و شاعر دین خود به جامعه را با پرداختن به جنبه‌های اجتماعی و سیاسی دین ادا می‌کند و علاوه بر پرداختن به احکام و آموزه‌های دینی و دفاع از اسلام و پیامبر (ص) در مقابل تهمت‌ها، با استفاده از ارزش‌های دینی در پی حل مشکلات و گرفتاری‌های جامعه بر می‌آید.

پای‌بندی به آموزه‌های اسلامی و اعتقاد به این که ادبیات ملتزم در حقیقت همان ادبیات اسلامی است به عنوان یک طرز تفکر دارای طرفداران فراوان و بسیار جدی با استدلال‌های قابل تأمل است. گرچه برخی ناقدان معتقد هستند که نباید شعر و ادبیات به گونه‌ای در خدمت گرایش‌های فکری در آید که روح هنری خود را از دست بدهد، اما پرداختن به آموزه‌های دینی به ویژه در منظومه‌های معاصر به غنای هنری و ادبی شعر افزوده که نمونه‌های آن را در شعر شاعرانی چون حافظ ابراهیم، احمد شوقی و معروف الرصافی مشاهده می‌نماییم. جستار پیش روی علاوه بر بررسی التزام دینی در شعر معاصر عربی، در پی نمایان ساختن زوایای التزام دینی رصافی در آثار منظوم او است. تا با تبیین و بررسی این اشعار میزان التزام وی و انعکاس موضوعات متعهدانه در شعر او را در بوته نقد قرار دهد.

## 1- پیشینه تحقیق

از آن جا التزام به معنای عام آن؛ یکی از مباحث مهم و ارکان اصلی اثر هنری است. میزان التزام و تعهد هر نوع اثر هنری به ویژه آثار ادبی در آیینة نقد قرار بازتاب می‌یابد و مورد بررسی قرار می‌گیرد. ادبیات ملتزم در حوزه جهانی به معنای التزام اجتماعی سپس سیاسی است و جنبه دینی آن بیش تر در ادبیات اسلامی مورد بحث قرار می‌گیرد. بیش تر بررسی‌ها در زمینه التزام به جنبه اجتماعی و سیاسی محدود می‌شود که شاید دلیل عمده آن کم بودن ادیب ملتزم در زمینه دینی باشد، به ویژه بحث در مورد التزام دینی در شعر معاصر بسیار کم‌رنگ بوده است. با این وجود در ادبیات عربی در ضمن بررسی مسأله التزام در بیشتر مواقع جنبه دینی هم مورد بررسی قرار گرفته که از آن جمله کتاب **الالتزام فی الشعر العربی؛ احمد ابو حاقه** است، اما در این کتاب هم جنبه دینی بسیار کم‌رنگ است. در کتاب‌هایی چون **الاسلامیة و المذاهب الادبیة؛ نجیب کیلانی** التزام دینی به اسلام به‌طور عام بررسی شده اما بررسی شاعران متعهد و اشعار آن پر رنگ نیست. در مورد رصافی و التزام دینی او مقاله‌ای مستقل نگارش نشده است. گرچه در مورد التزام رصافی مقاله‌ای با عنوان **الالتزام فی شعر معروف الرصافی الشاعر العربی المعاصر؛ دکتر محمود شکیب انصاری** نوشته شده اما در مورد التزام دینی در این مقاله تنها به ذکر یک شعر بسنده شده است. همچنین در مورد التزام سیاسی شاعر، مقاله‌ای تحت عنوان **الالتزام السیاسی فی شعر معروف الرصافی به قلم دکتر منصوره زرین کوب** به رشته تحریر در آمده اما این مقاله هم تنها به التزام سیاسی رصافی پرداخته و در آن سخنی از التزام دینی شاعر به میان نیامده است. بنابراین مقاله حاضر اولین مقاله مستقل در زمینه التزام دینی در شعر معروف الرصافی به شمار می‌رود.

## 2- مختصری از زندگی شاعر

معروف بن عبدالغنی محمود البغدادی الرصافی، در بغداد در سال 1292 هـ (1875 م)، دیده به جهان گشود و در 16 مارس 1945 م، در همان جا چشم از جهان فرو بست. پدرش "عبدالغنی" تبار کردی، و مادرش "فاطمه بنت جاسم" نژاد عربی داشت. (بقاعی، 1994: 24/زركلی، 1924: 186) رصافی در مدارس ابتدایی خواندن و نوشتن را آموخت، سپس به مدرسه دینی استاد شگری آلوسی پیوست و افکار و اندیشه‌هایش در آن جا شکل گرفت. استاد لقب رصافی را به سبب انتسابش به

منطقه "رصفه" به او داد. شاعر سفرهای زیادی به استانبول و مراکز ادبی داشت که سبب غنای علمی و ادبی او شد. رصافی شغل‌های سیاسی چون نمایندگی مجلس و مسئولیت‌های مختلف در آموزش و پرورش عراق را عهده‌دار شد و فعالیت‌های علمی و روزنامه‌ای زیادی انجام داد. (العبطه، 1992: 6)

رصافی از شاعران نوگرا است که استفاده از ترکیب‌های نو، الفاظ و عبارات روان، معانی روشن، دوری از تکلف و تصنع، اجتناب از تکرار و زبان شعری نزدیک به زبان مردم کوچه و بازار، از ویژگی‌های برجسته اشعار او به شمار می‌رود، اما بارزترین ویژگی اشعارش، پرداختن به موضوعات سیاسی و اجتماعی ودینی است که سبب شده او در گروه شاعران ملتزم قرار گیرد. او برای اولین بار در شعر عربی، بیش تر شعر خود را در خدمت جامعه و خواسته‌های آن قرار داد. (ادونیس، 1978: 69)

### 3- التزام دینی در شعر

التزام دینی به مفهوم کلی آن در شعر عربی پیشینه‌ای به درازای تاریخ ادبیات عربی دارد. برخی اشعار جاهلی نظیر معلقه زهیر بن ابی سلمی، حاوی ارزش‌های انسانی مانند سفارش به نیکی و احسان می‌باشند. در زمان ظهور اسلام، التزام دینی در ادبیات در ذکر فضایل و احکام دینی، و دفاع از اسلام و پیامبر (ص) نمود پیدا کرد. اما در دوره‌های بعد معنای آن گسترش یافت و بیان ارزش‌های انسانی و کردار، مورد پذیرش مکتب اسلام هم در چارچوب این التزام قرار گرفت. این نوع رویکرد ادبیات بر مبنای خدمت به تمام بشریت بر اساس خیر و صلاح جامعه انسانی استوار بود. (قطب، 1983: 6/ الرابع الحسنی الندوی، 1985: 28)

از مباحث مورد مناقشه ناقدان در مورد التزام دینی در شعر و ادبیات، سازگاری و یا عدم آن با روح شعر است که در این رابطه، آرای متفاوت ناقدان را شاهد هستیم. از این جمله کسانی که پرداختن به آموزه‌های دینی را مناسب شعر نمی‌دانند، می‌توان به اصمعی اشاره کرد که در این رابطه می‌گوید: «شعر آفتی است که مقدمه آن شر هست. و شاهد این گفته نزول شعر حسان بن ثابت بعد از مسلمان شدن او است.» (جاحظ: 1420: 61) و نیز استناد دیگر این عده به «لبیدین ربیعہ است که پس از اسلام آوردن سرودن شعر را کنار نهاد و در ردای اسلام تنها به سرودن تک بیتي بسنده کرد:

الْحَمْدُ لِلَّهِ إِذَا لَمْ يَأْتِنِي أَجَلِي      حَتَّى كَسَانِي مِنَ الْإِسْلَامِ سِرْبَالًا

(غنیمی هلال: 1997: 216)

«حمد و ستایش خدایی را سزااست که قبل از مرگ ردای اسلام بر تن من پوشاند.»

اما وجود سروده‌هایی که در آن التزام دینی شاعر نه تنها باعث تنزل شعر او نشده بلکه به آن طراوت و ماندگاری بخشیده این اعتقاد را نقض می‌کند. «طلوع خورشید اسلام باعث شد تا شاعرانی چون؛ اعشی التیمی، معبد الخزاء، کعب بن زهیر و حسان بن ثابت به ذکر فضایل دینی و اخلاقی در شعر خود بپردازند و به عنوان اولین شاعران ملتزم به دین معرفی شوند. این اشعار اولین جلوه‌های التزام دینی در ادبیات عربی به شمار می‌روند.» (عید: 1988: 214)

با وجود افت و خیز فراوان شعر دینی در قرون بعدی، «از جمله ضعف شدید آن در دوره اموی، در اشعار مختلف دوران ادبی پس از اسلام، نمونه‌هایی از التزام دینی را می‌توان مشاهده نمود که اشعار ابوالعتاهیه، ابن فارض و قصایدی در مدح پیامبر (ص) و ائمه (ع) در دوران عباسی و پس از آن، نمود واقعی این نوع التزام است.» (کیلانی، 1987: 214)

در دوران معاصر و اواخر قرن نوزدهم با نفوذ بیداری فکری در جوامع اسلامی، جنبش جمال الدین اسدآبادی زمینه‌ساز آگاهی مردم با رویکرد دینی بود. این رویکرد که با هدف افزایش خود باوری به مسلمانان، در مقابل اروپایی‌ها با ایده تشکیل حکومت اسلامی واحد، برای مقابله با استعمار غرب شکل گرفت، موضوع اشعار شاعران متعهد را به خود اختصاص داد و مبارزات سیاسی، دفاع از اسلام در مقابل تهمت‌ها و رد افکار جدید مبتنی بر بی‌دینی، موضوع اشعار شاعران متعهدی چون رصافی، احمد شوقی و حافظ ابراهیم را تشکیل داد. (ابوحاقت، 1979: 114)

بررسی اشعار رصافی، بیان‌گر این مطلب است که او در کنار ذکر فضایل دینی و دفاع از اسلام، به موضوعاتی اهتمام می‌ورزد که در خدمت خیر و صلاح جامعه مسلمان و حتی همه بشریت باشد. همان‌طور که دین‌داری را در کنار عزت و شرف، از ارزش‌های والای انسانی می‌شمارد که همه زوایای شخصیتی بشر تحت تأثیر این دو ویژگی است.

وَمَا عَابَ الْفَتَى جَسْمٌ هَرَبِلٌ  
إِذَا مَا كَانَ ذَا شَرَفٍ وَ دِينٍ

(رصافی، 1399: 92/2)

«وقتی انسان دارای عزت و ایمان باشد، عیب ظاهری او هیچ اهمیتی ندارد.»

بنابراین شاعر در کنار اهتمام به اصول اولیه اسلام به جوانب متعدد شخصیتی انسان توجه می‌نماید که در چارچوب جهان‌بینی اسلامی دارای اهمیت هستند. در واقع شاعر به نیاز روز جامعه اهتمام می‌ورزد و موضوعاتی را در شعر خود می‌آورد که در جامعه اثرگذاری بیشتر داشته باشند،

چه این موضوعات مانند دفاع از اسلام، در زمره موضوعاتی باشد که از صدر اسلام تا زمان شاعر مورد بحث قرار گرفته و چه موضوعاتی که مختص جامعه شاعر است. در مقاله حاضر به ذکر هر دو جنبه از جوانب و موضوعات متعدد شعر رصافی می‌پردازیم که گویای التزام او به دین می‌باشد.

#### 4- جلوه‌های تعهد دینی در شعر معروف الرصافی

رصافی به عنوان یکی از پیشگامان شعر معاصر، بیشتر از دیگران شعر خود را در خدمت دین و مسایل انسانی قرار می‌دهد. شاید بتوان گفت «تعهد در ادبیات، مهم‌ترین ارمغان رصافی برای شعر معاصر بود که همانند آن را حتی در شعر شاعرانی چون بارودی و شوقی مشاهده نمی‌کنیم. او به شاعر یاد می‌دهد که چگونه شعر خود را در خدمت جامعه و مردم قرار دهد. بدوی طبانه؛ به سبب این ویژگی‌ها به او لقب "شاعر بزرگ عراق" داده است و بیشتر ناقدان او را بسیار بالاتر از زهاوی می‌دانند.» (مریدن، 1982: 93) موضوعات شعر او به وضوح بیانگر التزام او به دین و اخلاق است این تعهد شاعر را به دفاع از دین و آموزه‌های آن سوق می‌دهد.

#### 4-1: دفاع از اسلام

پس از ارتباط و آشنایی مسلمان با غرب و پیشرفت‌های آن، برخی از روشنفکران غرب و شرق به دنبال یافتن علت عقب‌ماندگی مسلمانان برآمدند. «بعضی از این افراد دلیل این عقب‌ماندگی را دین مردم دانستند و اسلام را عامل آن ذکر کردند. در مقابل این عده، شاعران متعهد ساکت نشستند و با ذکر دلایل گوناگون این تهمت را رد کردند. رصافی از جمله شاعرانی بود که در مقابل این کج‌اندیشی و کوتاه‌فکری موضع‌گیری کرد و این تهمت‌ها را ستمی بزرگ بر اسلام عنوان کرد و با زبان شعر به دفاع از اسلام پرداخت.» (بقاعی، 1994: 62)

شاعر در قصیده "يقولون" به دفاع از اسلام می‌پردازد و با یادآوری دوران شکوفایی علمی در سده‌های نخستین، اسلام را دین علم و پیشرفت می‌داند و نادانی و عقب‌ماندگی کنونی مسلمانان را گناه خود آنان ذکر می‌کند که با بی‌تدبیری و عدم فعالیت باعث عقب‌ماندگی دنیای اسلام شدند. چون اسلام نه تنها مانع علم و پیشرفت نیست، بلکه به آن بسیار سفارش کرده و در پی پیشرفت مسلمانان در همه عرصه‌ها است:

يَقُولُونَ فِي الْإِسْلَامِ ظُلْمًا بَأَنَّهُ  
 فَإِنْ كَانَ ذَاقًا فَكَيْفَ تَقَدَّمَتْ  
 وَإِنْ كَانَ ذَنْبُ الْمَسْلُومِ الْيَوْمَ جَهْلُهُ  
 يَصُدُّ ذَوِيهِ عَنِ طَرِيقِ التَّقَدُّمِ  
 أَوَائِلُهُ فِي عَهْدِهَا الْمَتَقَدِّمِ  
 فَمَاذَا عَلَى الْإِسْلَامِ مِنْ جَهْلِ مُسْلِمٍ  
 (رصافی، 1964: 37)

«آنان از روی بی عدالتی و ظالمانه می گویند: اسلام از پیشرفت مسلمانان جلوگیری می کند.»  
 «اگر گفته آنان درست باشد پس چگونه مسلمانان در صدر اسلام، به آن همه پیشرفت دست یافتند؟»

«اگر گناه مسلمانان امروزی نادانی آنان است، نادانی مسلمانان، به اسلام مربوط نمی شود.»  
 شاعر با الهام از دستورهای دینی و احادیث پیامبر (ص) در اهمیت علم آموزی با استناد به این حدیث پیامبر (ص) که می فرماید: «أَطْلُبُوا الْعِلْمَ وَلَوْ بِالصَّيْنِ، فَإِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ»؛ علم را بجویید، حتی اگر در چین هم باشد؛ زیرا طلب علم بر هر مسلمانی واجب است. (بغدادی، 1395: 71) اسلام را دینی طرفدار علم و آگاهی می داند که نه تنها به آن سفارش نموده بلکه دانش اندوزی را یک فریضه بر مسلمانان به شمار می آورد:

هَلِ الْعِلْمُ فِي الْإِسْلَامِ إِلَّا فَرِيضَةٌ  
 وَ هَلِ أُمَّةٌ سَادَتْ بِغَيْرِ التَّعَلُّمِ  
 (همان: 38)

«مگر نه این است که اسلام فراگیری دانش را واجب کرده است؟ آیا ملتی بدون علم آموزی به سروری دست می یابد؟»

شاعر در این شعر خود را در مقابل دشمنان اسلام قرار می دهد و پس از این که با بهره گیری از آموزه های دینی و با ذکر دلایلی قاطع در مورد اهتمام اسلام به دانش، به دفاع از اسلام می پردازد، همگان را به قضاوت در این امر فرا می خواند:

فَهَلْ مِثْلُ هَذَا الْأَمْرِ يَا لَأَوْلَى النَّهْيِ  
 وَ إِنْ لَمْ يَكُنْ هَذَا إِلَى الْمَجْدِ سُلْمًا  
 يَكُونُ عِتْرًا فِي طَرِيقِ التَّقَدُّمِ؟  
 فَأَيُّ ارْتِقَاءٍ بَعْدُ أَمْ أَيُّ سُلْمٍ  
 (رصافی، 1399: 29/2)

«ای انسان های عاقل! به فریاد مان برسید و بگویید که آیا دستورهای از این قبیل، مانع پیشرفت است؟»



«و اگر این (دستورات اسلام) نردبان رسیدن به بزرگی نباشد، پس دیگر چه پیشرفت و چه عامل پیشرفتی؟»

این شعر رصافی و امثال آن نشانی عینی از التزام دینی شاعر و پای‌بندی او به دین اسلام است، امری که بارها توسط متعصبان دینی مورد شک و تردید قرار گرفته است.

#### 4-2: مدح پیامبر (ص)

مدایح نبوی یکی از فنون شعری است که نوعی تعبیر عاطفی نسبت به پیامبر (ص)، و جلوه‌ای از ادبیات ملترزم و ارزشی است، که تنها شاعران صادق و متعهد به هنرنمایی در این فن می‌پردازند. (مبارک، بی تا: 17) شاعران زیادی در مدح پیامبر (ص) شعر سروده‌اند و اشعاری مشهور را در این زمینه می‌توان از زمان صدر اسلام تا دوران معاصر پیدا کرد. حسان بن ثابت، کعب بن زهیر و بوصیری از مشهورترین این شاعران هستند.

در دوران معاصر مدح پیامبر (ص) با توجه به رویکرد تهاجمی علیه ایشان و دین اسلام، اهمیت دو چندان می‌یابد. رصافی از شاعرانی است که عشق و علاقه خود را به پیام آور وحی نشان داده است. او در شعر "فی حفلة المیلاد النبوی" که به مناسبت ولادت پیامبر اسلام (ص) سروده، به مدح ایشان پرداخته است. شاعر، پیامبر (ص) را تمیزدهنده حق از باطل می‌داند و هدف رسالتش را رسیدن بشر به شرف و بزرگی بیان می‌کند. هدفی که علاوه بر مسلمانان سرنوشت همه بشر را تحت تأثیر قرار می‌دهد:

وَضَحَ الْحَقُّ وَاسْتَقَامَ السَّبِيلُ	بِعَظِيمِ هُوَ النَّبِيِّ الرَّسُولُ
قَامَ يَدْعُو إِلَى الْهُدَى بِكِتَابٍ	عَرَبِيٍّ قُرْآنُهُ تَرْتِيلُ
طَالِبًا غَايَةً مِنَ الْمَجْدِ قُضُو	صَدَّهُ عَن بُلُوغِهَا مُسْتَحِيلُ

(رصافی، همان: 19)

«به دست پیامبر بزرگوار اسلام (ص) حق آشکار شد و راه درست مشخص گردید.»

«پیامبر (ص) با کتابی عربی که به ترتیل خوانده می‌شود، شروع به راهنمایی بشر کرد.»

«هدف او دست‌یابی به اوج عظمت و بزرگواری است، که کسی را یارای مقابله با آن نیست.»

او به نقش پیامبر (ص) در بیداری امت اسلامی اشاره می‌کند و ایشان را رهایی بخش مردم از نادانی‌ها و آداب و رسوم نادرست جاهلیت می‌داند. شاعر پیام فرستاده خدا را بیداری بخش ملت‌ها، برای دستیابی به بزرگی و شرف در دنیا معرفی می‌کند:

أَطْلَقَ النَّاسَ مِنْ تَقَالِيدِ جَهْلٍ	كُلُّ فَرْدٍ مِنْهُمْ بِهَا مَغْلُولٌ
وَشَفَاهُمْ بِهَدْيِهِ مِنْ ضَلَالٍ	كُلُّ فَرْدٍ مِنْهُمْ بِهِ مَعْلُولٌ
أَنْهَضَ الْقَوْمَ لِلْعِلَاءِ وَكَأَنَّتْ	فِي دُنْيَى الْقَوْمِ رَقْدَةً وَخُمُولٌ

(همان: 21)

«مردم را از سنت‌های جاهلانه که مانند زنجیری بر گردن هر شخصی بود، رها ساختند.»  
 «ایشان با راهنمایی (به سوی روشنی) مردم را از گمراهی‌هایی که همگان را بیمار کرده بود، نجات دادند.»

«در حالی که دنیای مردم را رکود و سستی فرا گرفته بود. آنان را برای کسب بزرگی روانه کردند.»  
 شاعر در پایان شعر با توصیف اوضاع کنونی و سستی و رکودی که دوباره دامن‌گیر مسلمانان شده است، آن را نتیجه اختلاف در دین و بدعت در اسلام می‌داند و شرایط کنونی را مناسب امت رسول خدا (ص) نمی‌داند و خواستار وحدت مسلمانان برای رهایی از این وضعیت می‌شود.

#### 3-4: الهام‌پذیری از قرآن

رصافی از شاعران معاصر است که به سبب آشنایی کامل با قرآن کریم در برخی از اشعار خویش از معانی و آموزه‌های غنی آن استفاده نموده است او در برخی اشعار، آیات قرآنی را تضمین می‌کند و در بسیاری از اشعار هم به شیوه تلمیح، از معانی و کلمات قرآن کریم بهره می‌گیرد. این بهره‌گیری حتی در تصویرنمایی شاعر از مظاهر مختلف زندگی نمایان می‌شود. شاعر در ابیات زیر جنگی را با الهام از کلمات قرآن به تصویر می‌کشد:

سَوْفَ نَكْسُو الْحَرْبَ ثَوْبًا	لَوْنُهُ أَحْمَرُ قَانٍ
فَتَكُونُ الْأَرْضُ مِنْهَا	وَرْدَةٌ مِثْلَ الدَّهَانِ
قَدْ أَظْلَلَتْهَا سَمَاءٌ	مِنْ شُؤَاطِ وَدُخَانِ

(همان: 481)

«بر قامت جنگ، لباسی به رنگ خون خواهیم پوشاند.»

«تا زمین از رنگ آن به مانند گل سرخ و چون روغن روان گردد.»

«بر چنین جنگی، زبانه آتش و دود آن سایه خواهد افکند.»

در این ابیات «شاعر از آیه کریمه «فَإِذَا انشَقَّتِ السَّمَاءُ، فَكَانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهَانِ» (الرحمن/37) الهام گرفته و با بهره‌گیری از تشبیه قرآنی، آثار جنگ و خون سرازیر شده از جنگجویان در آن را به شیوه قرآن به آسمان روز قیامت تشبیه کرده است و کلمات "وردة و الدهان" را از آیه قرآن اخذ نموده است.» (امیری، ایروانی‌زاده، 1386: 107)

در برخی از اشعار هم رصافی با به‌کارگیری برخی کلمات و اصطلاحات قرآنی در شعرش دیوان خود را به این کلمات و معانی مزین نموده است. این معانی گاهی اوقات در یک بیت و برخی مواقع هم در تمام شعر نهفته است. از مواردی که شاعر از کلمات قرآنی استفاده کرده می‌توان به اشعار زیر اشاره نمود.

تَرَاهُمْ سُكَارَىٰ فِي الْعَذَابِ وَمَا هُمْ  
سُكَارَىٰ وَلَكِنَّ مِنْ عَذَابٍ مُّشَدِّدٍ

(رصافی، همان: 1/ 129)

«گویی آنان مست و بی‌خود در عذاب گرفتار هستند اما در واقع مستی آنان از همان عذاب شدید است.»

که اشاره به آیه شریفه «وَتَرَى النَّاسَ سُكَارَىٰ وَمَا هُمْ بِسُكَارَىٰ» (حج/2) دارد. و شاعر از معانی کلی و کلمات قرآنی در شعر خویش بهره جسته است. و یا در شعر:

فَعِنْدَ اللَّهِ لِيَ مَعَكُمْ وَفُوفَىٰ  
إِذَا بَلَغْتَ حَنَاجِرَهَا الْقُلُوبُ

(همان: 712)

«هنگامی که قلب‌ها از ترس به گلو برسند در پیشگاه خداوند شما را ملاقات خواهم کرد.» معانی این شعر بر گرفته از آیه «وَإِذْ زَاغَتْ الْأَبْصَارُ وَبَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ» (الاحزاب/10) است که شاعر از اصطلاح قرآنی برای بیان شدت ترس در روز قیامت از جمله «بَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ» استفاده‌ای زیبا می‌کند.

بهره‌گیری شاعر تنها مختص قرآن نیست. او در شعر خود اشاراتی به بعضی از احادیث پیامبر (ص) دارد که به مانند کلمات قرآنی در برخی موارد آن‌ها را عیناً در شعر خود ذکر می‌کند.

فَرَّاحٌ بِإِذْنِ الْعِلْمِ يَنْطُقُ مَقْوُومًا

عَرَفْنَا بِهِ أَنَّ الْبَيَانَ مِنَ السَّحْرِ

(همان: 25)

«با کمک علم سخنانی بر زبان می‌آورد که ما را با جادوی کلام آشنا می‌سازد.»  
 مصرع دوم بیت برگرفته از حدیث پیامبر (ص) گرامی است که می‌فرماید: «إِنَّ مِنَ الْبَيَانِ لَسِحْرًا»  
 (طبرسی، 1384: 7) شاعر در بسیاری از اشعار، به مانند مثال‌های بالا با هنر شاعری خویش علاوه بر  
 غنی کردن آثار شعری خود با استفاده از قرآن و احادیث التزام دینی خود را نمایان می‌کند.  
 در کنار موضوعاتی که به‌عنوان مصداقی برای التزام در شعر عربی از صدر اسلام مطرح بوده  
 است، موضوعات و مصادیقی جدید از التزام دینی که متناسب با مسایل مورد نیاز جامعه شاعر بود،  
 در اشعار رصافی دیده می‌شود. که در دو قسمت شعر صوفیانه و ارزش انسانی و فضایل اخلاقی با  
 ذکر مثال‌هایی به آن‌ها پرداخته می‌شود.

#### 4-4: شعر صوفیانه

شعر صوفیانه از موضوعاتی است که شاعر به مانند بسیاری از شاعران هم عصر خویش با توجه  
 به اقتضای شرایط به هنرنمایی در آن پرداخته است. «صوفی‌گری به سبب اوضاع نامناسب اقتصادی  
 عراق، در زمان رصافی رواج زیادی یافت و شاعر را به سرودن اشعاری در این موضوع سوق داد. او  
 در این رابطه اندیشه‌های مخصوص به خود را دارد، و منبع اعتقادات صوفیانه‌اش به مانند بسیاری از  
 اشعارش، دین اسلام است.» (العبطه، همان: 82)

از مطالب فلسفی که شاعر به اظهار نظر در آن پرداخته، مسأله وحدت وجود است. «رصافی به  
 وحدت وجودی خداوند اعتقاد دارد. مصطفی‌علی در کتاب خود "أدب الرصافی" می‌گوید: "رصافی  
 به وحدت وجود اعتقاد کامل دارد و من این را از زمان آشنایی ام با او، در وجودش دیدم. خود  
 شاعر هم این ادعا را در جاهای مختلف تأیید کرده است." (همان: 84)

شاعر در شعر "مثنیات شعریه" دوبیتی‌ای دارد که بیان‌گر اعتقادش به وحدت وجود است. او  
 کثرت اشیا را به خاطر شکل ظاهری آن‌ها می‌داند که اصل همه آن‌ها به یک چیز واحد برمی‌گردد.  
 رصافی در این دو بیتی عقل را از درک منشأ وجود شگفت زده می‌بیند:

سُبْحَانَ مَنْ أَوْجَدَ الْأَشْيَاءَ وَاحِدَةً      وَأِنَّمَا كَثُرَتِ الْأَشْيَاءُ بِالصُّورِ  
 هَبْ مَنَسَأَ الْكَوْنِ يَبْقَى مُبْهَمًا أَبَدًا      فَهَلْ تَرَى فِيهِ عَقْلًا غَيْرَ مُنْهَرٍ

(رصافی، 1399: 2/ 279)

«پاک و منزه است خدایی که همه هستی را از یک چیز آفرید و کثرت اشیا به سبب تفاوت شکل آنها است.»

«آغاز هستی را همیشه نامعلوم فرض کن، اما آیا عقل را در آن شکفت زده نمی‌بینی؟»  
شاعر در شعر "نحن و الحالة العالمية" به ذکر اوصاف خداوند و بیان افکار فلسفی در مورد آفرینش هستی می‌پردازد. او خداوند را یگانه هستی بخش، و تمام هستی را بازتابی از وجود او می‌داند:

هُوَ مِنْ كِبْرِيَاءِهِ فِي شَأْنِ	جُلَّ رَبُّ الْأَنْامِ فِي كُلِّ يَوْمٍ
وَاحِدٌ عِنْدَهُ الْقُرُونُ تُؤَانِ	خَالِقُ الْكُونِ، ذُو الْجَلَالِ، قَدِيمٌ
وَإِلَيْهِ انْتَهَتْ جَمِيعُ الْمَعَانِي	كُلُّ مَا صَمَّ مُلْكَهُ كَلِمَاتٌ

(همان: 347)

«پیوسته خداوند والا مرتبه است و شأن و مقام او گویای بزرگی و عظمت او است.»  
«او آفریدگار هستی، بزرگ مرتبه، ازلی و یگانه پروردگار است که قرن‌ها برایش مانند چند ثانیه می‌ماند.»

«هر آنچه که در هستی وجود دارد، نشانه‌ای از وجود واحد او است.»  
منشأ و منبع شعر فلسفی رصافی برگرفته از قرآن و آموزه‌های دینی است. او در این مورد هرگز شعری نمی‌گوید که برداشت بی‌دینی و بی‌حرمتی به اسلام از آن گردد.

## 5- ارزش‌های انسانی و فضایل اخلاقی

بنا بر آنچه گذشت التزام دینی در شعر می‌تواند در ذکر واقعیت‌ها و مظاهر هستی از دید جهان‌بینی اسلامی نمود پیدا کند و «آن همان بیان زیبا از هستی و پدیده‌های آن است که مورد پذیرش اسلام و در چارچوب ارزش‌ها و فضایل اخلاقی می‌باشد.» (قطب، 1983: 6) این نوع ارزش‌ها، قسمتی عمده از اشعار رصافی را به خود اختصاص داده که شاعر از دیدگاه اسلام به ذکر آنها پرداخته است. هدف کلی این اشعار نهادینه کردن ارزش‌های والای انسانی و ساختن جامعه‌ای ارزشی و حفظ افراد آن در مقابل اعمال ضد ارزش می‌باشد. این موضوعات در اشعار رصافی به شیوه‌های مختلف و به بهانه مناسب‌های گوناگون سروده شده که به نمونه‌هایی از آن می‌پردازیم.

## 5-1: دفاع از وطن

حفظ وطن از نمونه‌هایی است که شاعر به آن از دید اسلام نگاه می‌کند و با فراخوانی مردم به مقابله با هجمه بیگانگان، این عمل را جزء اعمال دینی به شمار می‌آورد. گرچه رصافی با حکومت عثمانی و استبداد آن مخالف بود اما هنگامی که حکومت عثمانی وارد جنگ جهانی اول می‌شود، شاعر در شعر "الوطن والجهاد" مردم را به یاری حکومت در مقابل دشمنان ترغیب می‌کند، زیرا به اعتقاد او دفاع از وطن از اصول دین اسلام است. رصافی خطاب به مردم عراق می‌گوید:

وَاسْتَقْبَلُوا فِي سَبِيلِ الذَّوْدِ عَنِ وَطَنِ  
وَاسْتَلْمُوا لِلْعِدَى بِالصَّبْرِ وَاتَّخِذُوا  
بِهِ تَقِيْمُونَ دِينَ اللَّهِ وَالسُّنَنَ  
صِدْقَ الْعَزَائِمِ فِي تَدْمِيرِهِمْ جُنْتًا

(رصافی، همان: 331/1)

«در راه دفاع از وطن جان بر کف شوید که دین و سنت‌های خداوند بر پایه دفاع از وطن

استوار است.»

«با صبر و استقامت در مقابل دشمن لباس رزم بر تن کنید و همت‌های راستین را برای نابودی

دشمن سپر خود سازید.»

شاعر در شعر "شهداء الطبران" در رثای چند تن از بزرگان حکومت که در سقوط هواپیما از دنیا رفتند، آنان را شهید و جاودان شمرده، و بهشت را جایگاه آن‌ها می‌داند. چون در راه خدمت به وطن جان خود را از دست داده بودند.

## 5-2: اتحاد میان مسلمانان و ادیان

اسلام دینی است که با عصبیت‌ها مبارزه می‌کند و همه انسان‌ها را امت واحد می‌داند. چون همه، مخلوق خداوند هستند و مقصد نهایی آن‌ها به سوی او است، بنابراین همه باید در کنار هم با صلح و دوستی زندگی کنند. همان‌طور در قرآن به مسلمانان دستور صلح و آشتی می‌دهد: «وإن جَنَحُوا لِلسَّلَامِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ» (انفال/61) رصافی با بهره‌گیری از این آموزه قرآن پیروان ادیان را به کنار نهادن اختلافات میان همدیگر دعوت می‌نماید و اتحاد و همدلی در میان همه مردم را یک ضرورت می‌داند. وی دین را مایه آرامش و سعادت در دنیا و رستگاری در آخرت به شمار می‌آورد و در شعر "فی سبیل الوطن" خطاب به مسیحی‌ها، آنها را برادران خود خوانده و انجیل و قرآن را در یک راستا و برای یک هدف می‌داند.

عَلَّامُ التَّعَادِي لِاخْتِلَافِ دِيَانَةِ      وَإِنَّ التَّعَادِي فِي الدِّيَانَةِ عُدْوَانُ!  
 إِذَا الْقَوْمُ عَمَّتْهُمْ أُمُورٌ ثَلَاثَةٌ      لِسَانٌ، وَأَوْطَانٌ، وَبِاللَّهِ إِيْمَانٌ  
 فَأَيُّ اعْتِقَادٍ مَانِعٌ مِنْ أُخُوَّةٍ      بِهَا قَالَ أَنْجِيلُ كَمَا قَالَ قُرْآنُ  
 (همان: 237/2)

«به سبب تفاوت در دین، تا کی دشمنی (در میان مردم) باشد. زیرا دشمنی در دین ظلم به شمار می‌رود.»

«وقتی سه چیز: زبان، سرزمین و اعتقاد به خداوند، باعث همبستگی مردم می‌شود.»  
 «پس کدامین باور از برادری که انجیل و قرآن به آن سفارش کرده اند، جلوگیری می‌کند.»  
 همچنین او به اتحاد میان مسلمانان تأکید می‌کند و آنان را به دفاع از اسلام و مقاومت در برابر بیگانگان فرا می‌خواند. او با الهام از آیه شریفه: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران/103) رمز پیروزی مسلمانان در مقابل استعمار انگلیس را اتحاد و هم‌دلی میان آنان می‌داند:

قُلْ لِمَنْ رَامَ صَدْعَنَا بِشِقَاقٍ      أَنْتَ كَالْوَعْلِ نَاطِحُ الصَّفْوَانِ  
 وَيَكُ إِنَّ الْإِسْلَامَ أَوْجَدَ فِينَا      وَحِدَةً مِثْلَ وَحِدَةِ الرَّحْمَنِ  
 فَأَعْتَصِمْنَا بِحَبْلِ وَبِئِقٍ      هُوَ حَبْلُ الْإِخَاءِ وَالْإِيْمَانِ  
 (همان: 435)

«به کسی که با تفرقه‌افکنی قصد جدایی ما را دارد، بگو؛ تو مانند بز به خوشبختی شاخ می‌زنی.»  
 «وای بر تو؛ اسلام در ما وحدتی مثل وحدت خداوند قرار داده است.»  
 «ما به ریسمانی محکم چون برادری و ایمان؛ چنگ زده‌ایم.»

### 3-5: دفاع از حقوق زن

شرایط زن در جامعه عراق بسیار ناگوار بود و سخت‌گیری به زن و منع او از حضور در جامعه و سوادآموزی یک رسم شده بود. متعصبان دینی این سخت‌گیری‌ها را دستور اسلام می‌دانستند. «شاعر در جواب آنان می‌گوید: هرگز اسلام به بی‌سوادی و ستم به زن دستور نداده است. او زن مسلمان را نیازمند رحم و شفقت می‌داند و از مسلمانان می‌خواهد که در رفتار خود نسبت به او تجدید نظر کنند. او در شعر "المرأة المسلمة" می‌گوید:

مَا هَكَذَا يَا قَوْمُ مَا هَكَذَا      يَا مُرْنَا الْإِسْلَامُ فِي الْمُسْلِمَةِ  
 فَهَلْ بِكُمْ مِنْ رَاحِمٍ لِلنِّسَاءِ      فَهَنْ أَوْلَى النَّاسِ بِالْمَرْحَمَةِ  
 (بقاعی، همان: 93)

«ای مردم هرگز اسلام در مورد زنان این چنین دستور نداده است.»  
 «آیا در میان شما کسی هست که به زنان مهربانی ورزد؟ زنان به مهربانی و شفقت سزاوارتر هستند.»  
 به این صورت شاعر در مقابل تعصب و سخت گیری به زن می ایستد و به همین سبب به او  
 تهمت بی دینی زده می شود، حال آن که بیش ترین اشعار او در این زمینه مربوط به قرار گرفتن زن  
 در جایگاه واقعی اش می باشد که اسلام هم به آن امر کرده است.

#### 4-5: سفارش به وقف

به خاطر اوضاع وخیم اقتصادی در عراق، وقف و بخشش اموال دارای اهمیتی زیاد بود، چون تا  
 حدودی می توانست از رنج و سختی های فقرا کم کند. رصافی در این موضوع شعری سروده است و  
 در آن خواستار به جا آوردن این سنت و نهادینه کردن فرهنگ آن در میان قشر جوان می شود:

لِلْمُسْلِمِينَ عَلَى نُزُورَةٍ وَفَرِهِمْ      كَنْزٌ يَفِيضُ غِنَى مِنَ الْأَوْقَافِ  
 كَنْزٌ لَوْ اسْتَشْفَوْا بِهِ مِنْ دَائِهِمْ      لَتَوَجَّرُوا مِنْهُ الدَّوَاءَ الشَّافِي  
 وَ لَوْ ابْتَغَوْا لِلنِّسَاءِ فِيهِ تَقَافَةً      لَتَشَقَّفُوا مِنْهُ بِخَيْرِ تَقَافِ  
 (رصافی، همان: 144)

«در بخشش اموال مسلمانان گنجی نهفته است و به دنبال وقف اموال ثروتی فراوان به دست  
 می آید.»

«گنجی که اگر با آن بخوانند درد خود را درمان کنند، درمانی همیشگی خواهد بود.»  
 «اگر خواستند تا نوجوانان خود را با فرهنگ وقف آشنا سازند، آنان دارای فرهنگی ارزشمند  
 خواهند شد.»

بنابراین شاعر با بهره گیری از آموزه های دینی و تطبیق آن با جامعه معاصر، بهترین شیوه و  
 والاترین فرهنگ را برای اجرای عدالت اجتماعی همان حکم خداوند می داند که به مسلمانان سفارش  
 نموده تا برای برقراری عدالت اقتصادی و اجتماعی به وقف اموال خود بپردازند.



## 6- تبلور التزام در بیان صریح دیدگاه

رصافی در همه حال از اسلام و مسلمانان دفاع کرده است، زیرا او با این باورها پرورش یافته است. او حتی با وجود نارضایتی از اوضاع اقتصادی و سیاسی حکومت عثمانی، به خاطر گرایش‌های دینی خود از آن دفاع کرده است، چون که آن را نماد حکومت اسلامی می‌دانست. او در بیان دیدگاه‌های اجتماعی، سیاسی و دینی خود صراحت لهجه دارد و افکار خود را بدون هیچ ملاحظه‌ای بیان می‌کند. رصافی با برخی سنت‌های نادرست مردم مخالفت می‌کند، و در حالی که مردم این آداب و رسوم را از دین می‌دانند؛ شاعر با رد دیدگاه آن‌ها، دین واقعی را خالی از سنت‌های نادرست ذکر می‌کند و در شعر "حقیقتی السلیبة" با تأکید بر صراحت لهجه و شجاعت در گفت واقعیت‌ها، این گونه می‌سراید:

وَأَكْرَهُ أَنْ أَمِيلَ إِلَى الرِّيَاءِ	أَحِبُّ صَرَاحَتِي قَوْلًا وَفِعْلًا
وَلَا أَضْمَرْتُ حَسَوًا فِي ارْتِعَاءِ	فَمَا خَادَعْتُ مِنْ أَحَدٍ بِأَمْرٍ
بِإِبْقَاءِ الْحَقِيقَةِ فِي الْخَفَاءِ	وَلَسْتُ مِنَ الَّذِينَ يَرُونَ خَيْرًا

(رصافی، همان: 112/1)

«در گفتار و کردار صداقت را دوست دارم و از تظاهر بیزار هستم.»

«در هیچ کاری کسی را فریب ندادم و در کارها دو رویی و تظاهر نکردم.»

«از آن دسته از افراد نیستم که، پنهان ماندن واقعیت را خیر و صلاح می‌دانند.»

این صراحت در گفتار و کردار و مخالفت با آداب و رسوم نادرست باعث شد تا به او اتهام بی‌دینی زده شود. گرچه در میان اشعار فلسفی، لغزش‌هایی وجود دارد اما آن‌ها باعث نمی‌شود که او را شاعری بی‌دین قلمداد کنیم. خود شاعر بارها در اشعار و مقالاتش، این اتهام را رد می‌کند و خود را مؤمن به خدا و ملتزم به راه واقعی پیامبر (ص) معرفی می‌کند.

او در وصیت نامه‌اش خطاب به کسانی که او را به بی‌دینی متهم ساختند می‌گوید: «من مسلمان و مؤمن به خداوند و پیامبرش محمد بن عبدالله (ص) هستم و به آنان ایمان راسخ دارم. اما با نگاه سطحی به دین و دستورهای آن مخالف هستم. و جز اصل و جوهر دین، چیزی دیگر را قبول ندارم. من هدف ارزشمند دین را سعادت انسان در دنیا و آخرت می‌دانم و این که با ترک اعمال ناپسند و نیکوکاری می‌توان به این سعادت رسید، و دیگر امور و واجبات دینی وسیله‌ای برای رسیدن انسان به سعادت ابدی انسان هستند.» (العبطه، همان: 32)

## نتیجه‌گیری

التزام در ادبیات به معنای مشارکت شاعر و ادیب در مسایل اجتماعی، سیاسی و اخلاقی است. تعهد ادبی در اروپا به عنوان مفهومی از مکتب واقع‌گرایی مطرح شد که بر اساس آن شاعر و اثر ادبی دارای مسئولیت اجتماعی و انسانی می‌باشند. التزام ادبی در قرن اخیر در ادبیات عربی بر اثر شرایط خاص حاکم بر کشورهای اسلامی که مهم‌ترین آن استعمار غربی و اوج گرفتن مبارزات اجتماعی و سیاسی بود، در خدمت مبارزه با بیگانگان و آزادی از بند استعمار، مصایب و مشکلات مردم قرار گرفت. در نتیجه، پرداختن به قومیت عربی و همچنین مسایل و مشکلات اجتماعی، انسانی، اخلاقی و دینی، معیار التزام در ادبیات معرفی گردید.

گرچه از زمان ظهور اسلام، اشعاری با درون مایه دینی و اخلاقی به عنوان شعر ملتزم شناخته شده بود اما در قرن اخیر با ظهور پدیده استعمار دین و ارزش‌های والای انسانی در خدمت جامعه اسلامی قرار گرفت تا راهی برای پایان اشغال و استعمار پیش روی مردمان مظلوم کشورهای مسلمان قرار دهد. بنابراین بسیاری از شاعران و نویسندگان، تعالی انسان‌ها و رهایی ملت‌ها از بند استعمار و نجات مردم از مصایب و مشکلات اجتماعی را در گروی پایبندی به تعالیم اسلام دانستند و گرایش به اسلام را به عنوان تنها انتخاب باقی مانده فرا روی کشورهای اسلامی و حتی جهان در ادبیات اسلامی وارد کردند. به این ترتیب در قرن اخیر، التزام دینی در شعر همراه با التزام اجتماعی و سیاسی بوده است و شاعر با پرداختن به جنبه‌های اجتماعی و سیاسی دین، التزام خود را به جامعه اسلامی نشان می‌دهد. شاعر معاصر علاوه بر پرداختن به احکام و آموزه‌های دینی و دفاع از اسلام و پیامبر (ص) در مقابل تهمت‌ها، با استفاده از ارزش‌های دینی در پی حل مشکلات و گرفتاری‌های جامعه بر می‌آید.

رصافی که از پیشگامان شعر معاصر و از شاعران ملتزم به شمار می‌آید بخشی عمده از شعر خود را در خدمت اسلام و دفاع از دین و پیامبر (ص) قرار داد. هم چنین شاعر با تأثیر پذیری از شرایط نابسامان عراق که زیر چکمه‌های خون آلود استعمار اوضاعی نامساعد را تجربه می‌کرد، شعرش را به مانند سلاحی برای مبارزه با اشغال‌گران به کار گرفت و با پرداختن به موضوعاتی چون وحدت ادیان، جان فشانی در راه وطن برای آزادی از بند استعمار، دفاع از حقوق اسلامی زن، با زبانی صریح و با استفاده از دین و ارزش‌های اخلاقی و انسانی برای آزادی سرزمین خود از اشغال و رهایی مردم از بند جهل و فقر، تفرقه تلاش کرد و خود را به عنوان شاعری ملتزم به ادبیات معاصر عربی معرفی نمود.

منايع و ماخذ

1. قرآن كريم.

2. ابو حاقة، احمد (١٩٧٩م)، *الالتزام في الشعر العربي*، بيروت: دار العلم للملايين، ط١.

3. ادهم، اسماعيل (١٩٩٢م)، *شعراء معاصرون*، القاهرة: دارالمعارف.

4. ادونيس (١٩٧٨م)، *الثابت والمتحول*، بيروت: دار العودة، ط١.

5. أعرجى، محمد حسين (١٩٧٨م)، *الصراع بين القديم والجديد في الشعر العربي*، القاهرة: عصمى للنشر.

6. اميرى و ايروانى زاده (١٣٨٦ش)، *معانى القرآن الكريم و صورته فى شعر ثلاثة من شعراء الصحوة*

*الاسلامية*، صحيفة مبين، شماره ٣٩.

7. بطي،، رفائيل (١٩٢٣م)، *الادب المصرى فى العراق العربى (قسم المنظوم)*، مصر: المطبعة السلفية.

8. بغدادى، خطيب (١٣٩٥ق)، *الرحلة فى طلب الحديث*، بيروت: دارالكتب العلمية، ط١.

9. بقاعى، ايمان يوسف (١٩٩٤م)، *معروف الرصافي نار أم كلم*، بيروت: دار الكتب العلمية.

10. جاحظ، عمرو بن بحر (١٤٢٠ق)، *البيان و التبيين*، بيروت: مكتبة العصرية.

11. خفاجى، محمد عبد المنعم (١٩٥٣م)، *مذاهب الادب*، القاهرة: مطبعة المنيرية بالازهر، ط١.

12. رابع الحسنى الندوى، محمد (١٩٨٥م)، *الادب الاسلامى و صلته بالحياة*، بيروت: مؤسسة الرسالة، ط١.

13. رصافى، معروف (١٩٩٩م)، *ديوان الرصافي*، بيروت: دار المنتظر.

14. \_\_\_\_\_، (١٩٦٤م)، *المنهل الصافي من شعر الرصافي*، بيروت: مطبعة المعارف، ط٢.

15. زركلى، خير الدين (١٩٢٤م)، *الاعلام*، بيروت: بي نا، ط١.

16. زرين كوب، عبد الحسين (١٣٦١ش)، *نقد ادبى*، تهران: انتشارات اميركبير.

17. ضيف، شوقى (بى تا)، *دراسات فى الشعر العربى المعاصر*، القاهرة: دار المعارف، ط٧.

18. طبرسى، أبى على الفضل بن الحسن (١٣٨٤ش)، *مجمع البيان فى تفسير القرآن*، تهران: دار الاسوة

للطباعة و النشر.

19. عبطة، محمود (١٩٩٢م)، *معروف الرصافي حياته و آثاره و مواقفه*، بغداد: دارالشؤون الثقافية، ط١.

20. عوادى، عدنان حسين (١٩٨٥م)، *لغة الشعر الحديث فى العراق*، بغداد: دارالحرية للطباعة.

21. عيد، رجا (١٩٨٨م)، *فلسفة الالتزام فى النقد الادبى*، الاسكندرية: منشأة المعارف.

22. غنيمى هلال، محمد (بى تا)، *قضايا معاصرة فى الادب و النقد*، القاهرة: دارالنهضة مصر.

23. \_\_\_\_\_، (١٩٩٧م)، *النقد الادبى الحديث*، القاهرة: دارالنهضة مصر.

24. قطب، محمد (١٩٨٣م)، *مناهج الفن الاسلامي*، بيروت: دار الشرق، ط٦.
25. كويا، فاطمه (١٣٨٣ش)، *زبان، درون مايه ونظام ويژه ادبيات*، فصلنامه پژوهش هاي ادبي، شماره ٦.
26. كيلاني، نجيب (١٩٨٧م)، *الاسلاميه و المذاهب الادبيه*، بيروت: مؤسسة الرسالة.
27. مريدن، عزيزة (١٩٨٢م)، *حركات الشعر في العصر الحديث*، دمشق: مطبعة رياض.
28. مبارك، ذكي (بي تا)، *المدائح النبوية في الادب العربي*، مصر: مطبعة مصطفى.